



Conceptual Modeling of the Entrepreneurial Government in Iran With the Qualitative Meta-Analysis Approach

Rahman Ranjbar

Ph.D. Student of Political Science and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-Mail: eranjbar575@gmail.com

Babak Naderpour

*Corresponding author: Assistant Prof, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-Mail: nader1642@yahoo.com

Gholamhossein Hosseininia

Associate professor, Department of New business, University of Tehran, Tehran, Iran. E-Mail: hsseininia@ut.ac.ir

Nader Houshmandyar

Assistant Profe, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-Mail: nader.houshmandyarb@gmail.com

Abstract

The recreating government with the entrepreneurial approach is not a simple reconsideration or partial interpretation of management, but a comprehensive change in the role of community management and the relationship between government and citizens that replaces directing leadership with enterprise. This qualitative meta-analysis study investigates the studies on the field of entrepreneurial government and provides a regular formulation of them. To accomplish this, 68 articles and reports on the entrepreneurial government have been searched through scientific databases of the country and abroad over the past 10 years (2008-2018) and were reviewed in two sections of "Descriptive meta-analysis findings" and "Qualitative evaluation of articles". A meta-analysis of the Entrepreneurial Government papers shows that studies in this field are less focused on operational aspects and more dealt with theoretical discussions and general concepts. In most of these studies, the indices concerning the entrepreneurial government theory have not been explained in accordance with the indigenous conditions of Iran. In this study, however, the conceptual model of the entrepreneurial government has been outlined in terms of the Iranian indigenous conditions including the macro policies, good governance, social justice, mission orientation, social-cultural values, decentralization, customer orientation, market orientation, and advocacy.

Keywords: Conceptual Model, Entrepreneurship, Governmental Entrepreneurship, Entrepreneurial Government, Qualitative Meta-Analysis Researches.

Citation: Ranjbar, R., Naderpour, B., Hosseininia, G. & Houshmandyar, N. (2019). "Conceptual Modeling of the Entrepreneurial Government in Iran With the Qualitative Meta-Analysis Approach". *Public Organizations Management*, 8(1), 33-50. (in Persian). (DOI): 10.30473/IPOM.2019.48893.3817

Received: (22/Sep/2019)

Accepted: (23/Nov/2019)



ترسیم الگوی مفهومی دولت کارآفرین در ایران با رویکرد فرا تحلیل کیفی

رحمان رنجبر

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، سیاست گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

E-Mail: eranjbar575@gmail.com

بابک نادرپور

نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

E-Mail: nader1642@yahoo.com

غلامحسین حسینی نیا

دانشیار گروه کسب و کار جدید، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-Mail: hsseininia@ut.ac.ir

نادر هوشمندیار

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

E-Mail: nader.houshmandyarb@gmail.com

چکیده

بازآفرینی دولت با رویکرد کارآفرینی تجدیدنظر ساده یا تفسیر جزئی در شیوه مدیریت نیست، بلکه تغییری همه جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان است که هدایت گری را جایگزین تصدی گری می کند. این پژوهش با روش فراتحلیل کیفی به بررسی پژوهش های حوزه دولت کارآفرین پرداخته و صورت بندی منظمی از آن ها ارائه می دهد. ۶۸ مقاله و گزارش در زمینه دولت کارآفرین با جست و جو در پایگاه اطلاعات علمی داخلی و خارجی در بازه زمانی ۱۰ سال (۱۳۸۷-۱۳۹۷) و در دو بخش «یافته های توصیفی فراتحلیل» و «ارزیابی کیفی مقاله ها» بررسی شده اند. مطالعات فراتحلیل مقاله های دولت کارآفرین نشان می دهد پژوهش های این حوزه کمتر ناظر بر جنبه های عملیاتی بوده و بیشتر بر بحث های نظری و ارائه مفاهیم کلی تمرکز کرده اند. در اغلب پژوهش های صورت پذیرفته؛ شاخص های نظریه دولت کارآفرین متناسب با شرایط بومی ایران تبیین نشده است، لیکن در این مطالعه مدل مفهومی دولت کارآفرین با لحاظ شرایط بومی ایران ترسیم شده که ابعاد آن شامل سیاست های کلان، حکمرانی خوب، عدالت اجتماعی، رسالت محوری، عوامل فرهنگی - اجتماعی، تمرکززدایی، مشتری مداری، بازارگرایی و حمایت و پشتیبانی است.

واژه های کلیدی: الگوی مفهومی، کارآفرینی، کارآفرینی دولتی، دولت کارآفرین، روش فراتحلیل کیفی.

استناد: رنجبر، رحمان؛ نادرپور، بابک؛ حسینی نیا، غلامحسین و هوشمندیار، نادر (۱۳۹۸). «ترسیم الگوی مفهومی دولت کارآفرین در ایران با رویکرد فرا تحلیل کیفی». مدیریت سازمان های دولتی، ۸(۱)، ۳۳-۵۰.

(DOI): 10.30473/IPOM.2019.48893.3817

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۲/۳۱)

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۹/۰۲)

مقدمه

تصمیم‌گیری‌های نهادهای دولتی و عدم تمایل مدیران به ریسک‌پذیری موانع بزرگی در برابر اهداف تجاری و غیرتجاری محسوب می‌شود (فریلی، ۲۰۰۳؛ کولنت و همکاران، ۲۰۰۰؛ جاناتل، ۲۰۱۶).

باید توجه داشت که بخش دولتی نمی‌تواند به‌طور مستقیم وارد کسب‌وکار شود، لیکن بدان معنا نیست که نمی‌تواند بیش از پیش خود را کارآفرین نماید. سازمان‌های دولتی کارآفرین به معنای ایجاد تغییر عمده در نظریه و عمل است که با ایجاد تغییر و تحول در بخش دولتی موجب بهبود کارایی و اثربخشی سازمان‌های دولتی می‌شود، به‌عبارت‌دیگر، دولت کارآفرین همچون فردی است که طرح می‌دهد و ایده‌های جدیدی را در دولت اجرا می‌نماید (میلی، ۲۰۱۴)، از طرفی دیگر دولت کارآفرین با تغییر، نوآوری و رسیدن به شرایط مفید و تحویل خدمات دولتی که تکمیل‌کننده سرمایه جامعه است، ارزیابی می‌شود (استیون، ۲۰۱۱). کارآفرین دولتی فردی است که فعالیت‌های هدفمند یک یا چند بخش دولتی را بر عهده می‌گیرد (کلارک، ۲۰۰۷؛ اوزبورن، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه بخش دولتی در مقایسه با بخش خصوصی گستردگی و پیچیدگی‌های متعددی دارد، هریک از اندیشمندان و صاحب‌نظران نیز با تمرکز بر بخشی از این حوزه، مفهوم کارآفرینی دولتی را تبیین و تعریف کردند که در ذیل بخشی از آن درج شده است.

سال‌های اخیر به‌رغم تلاش‌هایی که در جهت توسعه کارآفرینی انجام شده است، در عمل رشد مناسب و پایداری در زمینه توسعه کارآفرینی در کشور مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه امروز ایران در راستای کارآفرینی نیست (آرستی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که چرا به‌رغم اهتمام مسئولان کشور و تأکید برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور در زمینه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و توسعه کارآفرینی، هنوز پیشرفت چشمگیری مشاهده نمی‌شود. در پاسخ به این پرسش باید اذعان داشت که نظام ملی توسعه کارآفرینی در کشور ما از فقدان رهیافتی جامع‌نگر رنج می‌برد. لذا، توسعه کارآفرینی در کشور مستلزم نگاه سیستمی مسئولان به کارآفرینی است. به‌طوری که عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مقرراتی مرتبط با کارآفرینی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد و در تدوین سیاست‌های توسعه کارآفرینی همه ابعاد را موردنظر قرار دهند. بنابراین، توسعه کارآفرینی نیازمند شبکه‌ای از عناصر مختلف است. دلایل زیادی برای کارآفرین شدن بخش دولتی وجود دارد. بسیاری از سازمان‌های دولتی مأموریت‌های چندگانه و گاهی متضاد دارند. سیستم‌های تشویقی و نظارتی ناکارآمد، ناتوانی در جذب مدیران ماهر، کنترلی قوی بر فعالیت‌ها و نه نتایج، مداخلات سیاسی و بوروکراسی در

جدول ۱. تعریف کارآفرینی دولتی

معرفی نظرها و طرح‌های جدید و نوآورانه و اجرای این نظریه‌های نوآورانه در فعالیت‌های بخش دولتی	Zampetakis & Moustakis, 2007
استفاده توأم با مخاطره از منابع عمومی برای ایجاد ارزش برای افراد	Kim, 2007
استفاده توأم با مخاطره از منابع عمومی در جهت خلق ارزش برای مردم	Marcias, 2000
فرایند خلق ارزش برای شهروندان از طریق بهره‌مندی هم‌زمان از امکانات دولتی و خصوصی به‌منظور کشف و بهره‌مندی از فرصت‌های اجتماعی	Marris & Joens, 1999
فرایند معرفی، ایجاد، به‌کارگیری و ترجمه نظریه‌های نوین و خلاقانه در بخش دولتی و خدمات‌رسانی عمومی	Robers & king, 1991
فرایندی سازمانی است که به کمک آن خلاقیت، مخاطره‌پذیری و پیشگامی در سیستم‌های دولتی ترویج می‌شود و زمینه را برای دستیابی به اهداف عمومی مهیا می‌کند	Stone, 1992
جست‌وجو هدفمند و منظم تغییرات نوآورانه در سازمان‌های دولتی و فعالیت‌های آن‌ها	Linder, 1990

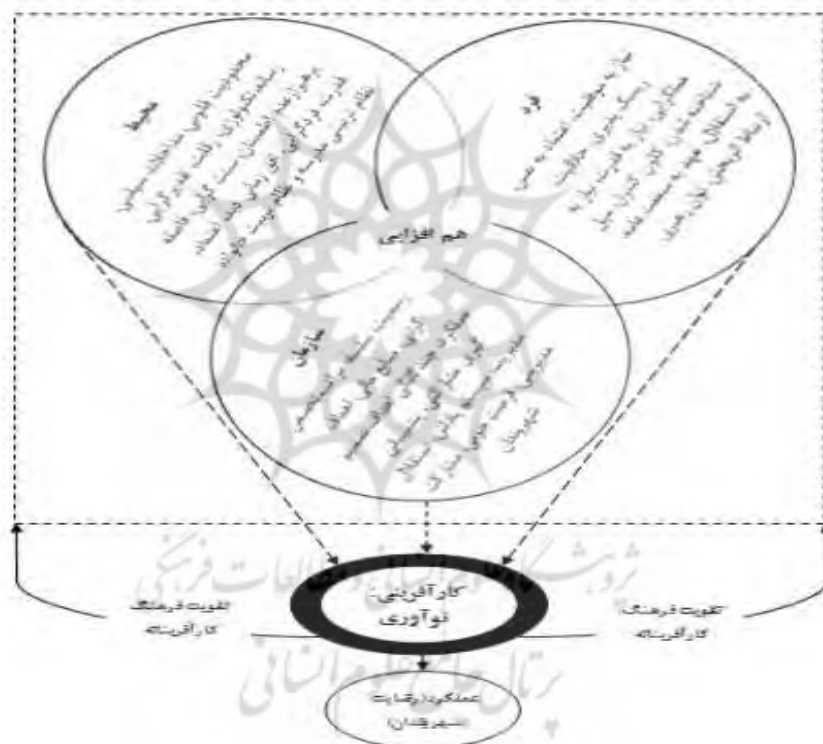
تلخیصی و فراوانی مؤلفه‌ها به ترسیم ابعاد دولت کارآفرین در قالب یک مدل بومی پرداخته خواهد شد. این مطالعه با بهره‌مندی از پژوهش‌های انجام شده از جمله مطالعات (مقیمی، ۱۳۸۳؛ حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۹؛ یدالهی فارسی و همکاران ۱۳۸۹؛ الوانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ قمبرعلی، ۱۳۹۵؛ داوری، ۱۳۹۶؛ نصیری زنگ‌آبادی، ۱۳۹۶؛ مازولو، ۲۰۱۴؛

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هریک از تعریف‌های بیان شده، بر بخشی خاص از سازمان‌های دولتی مانند خروجی‌های سازمان‌های دولتی، منابع مورد استفاده در سازمان‌های دولتی، فواید کارآفرینی برای شهروندان تمرکز کرده‌اند که این نشان‌دهنده گستردگی مفهوم کارآفرینی در بخش دولتی است. در این پژوهش با رویکرد فراتحلیلی کیفی و براساس تحلیل محتوایی

کارآفرینی در بخش دولتی: رویکرد هم‌افزایی

این پژوهش توسط الوانی و همکاران در سال ۱۳۹۰ انجام گرفته و نتایج آن در مجله پژوهش‌های مدیریت عمومی، تابستان ۱۳۹۰، به چاپ رسیده است. آن‌ها در این بررسی به تبیین کارآفرینی عمومی و اهمیت آن پرداخته و الگویی برای تحقق کارآفرینی در بخش عمومی ارائه می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زایش کارآفرینی در بخش عمومی نتیجه رابطه هم‌افزایی (نه رابطه مجموع صفر) فرد، سازمان و محیط است. این عوامل به همراه هم و در یک رابطه تعاملی و هم‌افزا موجد کارآفرینی هستند. بنابراین، هر قدر نقطه اشتراک سه عنصر بیشتر باشد، زایش و توسعه کارآفرینی در بخش دولتی محتمل‌تر است.

آیزنبرگ، ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۰، ۲۰۱۲؛ بریکر، ۲۰۰۹؛ بانک جهانی، ۲۰۰۹؛ بوسما و نیلز، ۲۰۱۰). در پی تدوین ابعاد و شاخص‌های دولت کارآفرین است. هرچند در ارتباط با موضوع این تحقیق، پژوهش مرتبطی در داخل کشور انجام نشده است، به همین دلیل با فراتحلیل مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه دولت کارآفرین به تدوین ملاک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر دولت کارآفرین پرداخته خواهد شد.



شکل ۱. کارآفرینی در بخش دولتی (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱)

و فعالیت‌های کارآفرینانه حمایت کرده و بسترهای لازم را فراهم آورند. این پژوهش با شناسایی نارسایی‌های موجود در این زمینه و ارائه پیشنهادهایی برای پرورش و توسعه کارآفرینی سازمانی، تا حدی مسیر حرکت به سمت استقرار کارآفرینی دولتی را روشن می‌کند. به‌عنوان یک نتیجه کلی می‌توان گفت کارآفرینی و به‌تبع آن، کارآفرینی سازمانی، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد بنابراین، نهادینه کردن آن در

الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران

این پژوهش توسط حق‌شناس و همکاران در سال ۱۳۸۶ انجام گرفته و نتایج آن در فصلنامه علوم مدیریت ایران، به چاپ رسیده است. براساس مدل مکنزی و مدل ریچارد دفت، عوامل مختلف درون و برون سازمانی تعیین شده و نقش و تأثیر آن‌ها در وضعیت کارآفرینی سازمان‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد: به‌منظور استقرار کارآفرینی در سازمان‌های دولتی ایران باید از رفتارها

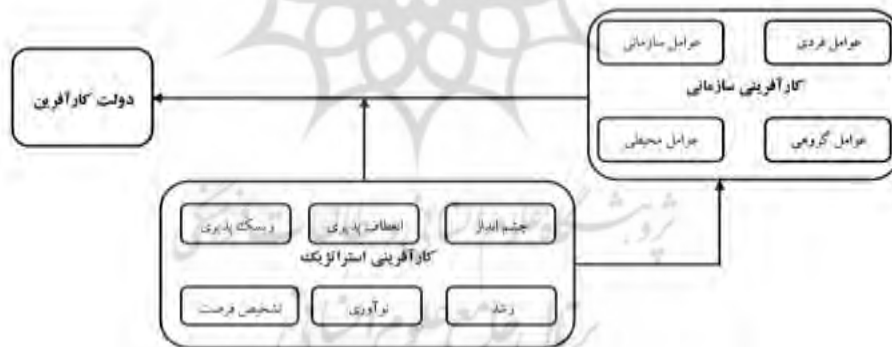
سازمان‌ها و به‌ویژه در سازمان‌های دولتی مستلزم رویکردی سیستماتیک، واقع‌گرایانه و بلندمدت است و رویکردهای جزئی، کوتاه‌مدت و مقطعی کارساز و مفید نخواهند بود. در زیر مدل پژوهشی تحقیق اخیر ارائه شده است.



شکل ۲. الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران (حقیقت‌شناس، ۱۳۸۶)

بر کارآفرینی استراتژیک پرداخته است و نهایتاً یک چارچوب ادراکی مقتضی از کارآفرینی دولتی را با هدف ایجاد قابلیت دولت کارآفرین ارائه داده است. پس از بررسی ادبیات مربوط، مدل زیر به‌عنوان مدل تحلیل - ادراکی پژوهش ارائه شده است:

چارچوب تحلیل - ادراکی از کارآفرینی دولتی
این پژوهش توسط سمیعی پاقلعه و همکاران در سال ۱۳۹۱ ارائه شده است. در راستای موضوع، پژوهش یادشده به بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در بدنه دولت (کارآفرینی دولتی) و با تأکید



شکل ۳. چارچوب تحلیل - ادراکی از کارآفرینی دولتی (سمیعی پاقلعه و همکاران، ۱۳۹۱)

شهروندان است که هدایت‌گری را جایگزین تصدی‌گری می‌کند. دولت کارآفرین تغییر در شیوه مدیریت دولت و توجه خود را بر نتیجه داده‌ها متمرکز کرده است، برخلاف دولت‌های بوروکراتیک که بر داده‌ها متمرکز هستند. برای کارآفرین کردن نظام دولتی باید شرایط سازمانی سازمان‌های دولتی آماده شود تا افراد بتوانند به کارآفرین تبدیل شوند، گرچه ممکن است افراد طی سال‌ها تجربه بر اثر شرایط سازمانی در سیستم دولتی به انسان‌های محافظه‌کار تبدیل شده باشند، اما می‌توان با تغییر فرهنگ کار، افراد را از خمودگی و رکود خارج کرد. درخصوص سازمان‌های

با پیدایش اقتصاد جهانی و افزایش آگاهی‌ها از رقابت‌پذیری، دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای درصدد انجام وظیفه دیگری هستند یعنی پرورش و توسعه کارآفرینی (رینولدس، ۲۰۰۴). کارآفرینی دولتی رویکردی نوین در مدیریت سازمان‌های دولتی محسوب می‌شود و سازمان‌های بخش دولتی می‌توانند از طریق اتخاذ یک رویکرد کارآفرینانه، ارزش‌های جدیدی را به ذینفعان مختلف خود ارائه دهند. بازآفرینی دولت با رویکرد کارآفرین، یک تجدیدنظر ساده یا تفسیر جزئی در شیوه مدیریت نیست، بلکه تغییری همه‌جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و

جنبش فراملی مهم است که پیامدهای بالقوه منفی برای خدمات مدنی حرفه‌ای دارا است. و آنان استدلال می‌کنند که بازآفرینی دولت، برخلاف شعارهای سرسخت‌ترین طرفداران آن، موجب به خطر افتادن نقش مهم ایفا شده از طریق خدمتگزاران مردم در دولت‌های دموکراتیک مدرن شده و پیامدهای گسترده‌ای از این استدلال در حال کاوش هستند (نصیری زنگ‌آبادی، ۱۳۹۶). همان‌طور که مشاهده می‌شود، هریک از تعریف‌های بیان شده بر بخشی خاص از سازمان‌های دولتی مانند خروجی‌های سازمان‌های دولتی، منابع مورد استفاده در سازمان‌های دولتی، فواید کارآفرینی برای شهروندان تمرکز کردند، که این نشان‌دهنده گسترده‌گی مفهوم کارآفرینی در بخش دولتی است. نتایج فراتحلیل کیفی براساس تحلیل محتوایی تلخیصی و براساس فراوانی مؤلفه‌ها در قالب یک مدل بومی دولت کارآفرین در گام نخست ارائه شد، نتایج گویای آن است که ۹ دسته عوامل به‌عنوان ابعاد تأثیرگذار بر دولت کارآفرین در ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند، که شامل سیاست‌های کلان، حکمرانی خوب، عدالت اجتماعی، رسالت محوری، مشتری‌مداری، پشتیبانی و حمایت و پشتیبانی است، که در ذیل در قالب مدل ترسیم شده است.

دولتی کشورمان نیز باید این‌گونه بیان کرد که وضعیت حاکم در این سازمان‌ها، سنتی و غیر کارآفرینانه است و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی سازمان‌های دولتی ایران ناشی از فقدان نوآوری و کارآفرینی سازمانی است (بازار کار، ۱۳۹۱). آسیب‌شناسی نظام اداری کشور، گویای آن است که این نظام دیوان‌سالار، دچار عوارضی نامطلوب همچون فقدان روحیه مشارکت‌پذیری و مشارکت‌جویی، متمرکزگرایی و انعطاف‌ناپذیری، کندی و پریپیچ و خم بودن انجام امور، غلبه روحیه بی‌اعتنایی نسبت به نتیجه کار، مسئولیت‌ناپذیری و فرافکنی، بهره‌وری پایین و ناکارآمدی است (الوانی و ریاحی، ۱۳۸۱). دستیابی به اهداف مشخص شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و همچنین اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت تحول در نظام اداری کشور به سمت کارآفرینی را قطعی می‌سازد. فرانک جی و همکاران در سال ۱۹۹۳ یک سنتز و ارزیابی انتقادی از جنبش بازآفرینی دولت در ایالات متحده ارائه کردند، آنان با تمرکز بر دیدگاه دیوید آذربورن، موضوعات کلیدی تعریف کردند. دیدگاه اول بر این مسئله اشاره دارد که آیا ایدئولوژی بازآفرینی نسخه‌ای قابل قبول برای بهبود کارایی و اثربخشی سازمان‌های دولتی فراهم می‌کند. ریچارد سی. و همکاران در سال (۱۹۹۸) معتقدند بازسازی دولت یک



شکل ۴. ابعاد دولت کارآفرین در ایران (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

درواقع فرا تحلیل، نوعی پژوهش درباره پژوهش‌های دیگر است. فراتحلیل را می‌توان مطالعه نظام‌مند پژوهش‌های گذشته دانست. پژوهش‌هایی که همه درباره یک عنوان خاص به عمل آمده‌اند. می‌توان همه آن پژوهش‌ها را مجدداً مورد مطالعه قرار داده و با یکدیگر مقایسه کرد. درواقع، با استفاده از فنون

روش‌شناسی پژوهش

اصطلاح فراتحلیل، اولین بار توسط کلاس، رئیس انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا در سال ۱۹۷۶ استفاده شد. فراتحلیل را می‌توان نوعی مرور سیستماتیک پژوهش‌های کمی، بر طبق اصول آماری و ریاضی دانست (به نقل از نصرالهی و همکارانش).

آماري خاص، نتایج آن‌ها را با یکدیگر تلفیق و ترکیب کرده و به یک نتیجه واحد رسید. چنین کاری خود یک پژوهش مستقل محسوب می‌شود. تفاوت این نوع پژوهش با پژوهش‌های دیگر در این است که جامعه آماری در این‌گونه پژوهش‌ها، پژوهش‌های قبلی است و واحد پژوهش آن، هریک از پژوهش‌های اولیه و مستقل پیشین است. در این پژوهش به اطلاعاتی دست پیدا می‌کنیم که اطلاعات اولیه موجود در پژوهش‌های گذشته، آن را نشان نمی‌دهد. برای اجرای روش فراتحلیل، ابتدا حیطه موضوعی پژوهش انتخاب می‌شود که نتایج پژوهش‌های انجام شده در آن حوزه دوپهلو و یا مشتبه‌کننده باشد. سپس مراحل زیر به ترتیب شامل شناسایی منابع و ارزشیابی نتایج پژوهش‌ها، ترکیب نتایج پژوهش‌های انتخاب شده و مقایسه آن‌ها با یکدیگر و ارزشیابی نتایج فراتحلیل به‌منظور کاهش خطاست (دلآوری، ۲۰۱۲). یادآوری این مطلب مهم است که فراتحلیل پاسخ قطعی و نهایی برای درک مسائل حقیقی نیست و مانند سایر روش‌های تحلیل داده‌ها، است همان‌طور که گرین و هال می‌گویند: فراتحلیل یاری‌گر اندیشه است نه جایگزین آن (براکر و همکاران، ۲۰۰۹)

در رابطه با جایگاه فراتحلیل در ارزیابی طرح‌های توسعه (مانند ترسیم ابعاد دولت کارآفرین)، لازم به اشاره است که ارزیابی ابعاد دولت کارآفرین (به شیوه فراتحلیل کیفی) ابزاری ارزشمند جهت تحلیل نظام‌مند، مطلوبیت مدل را در اختیار محققان قرار می‌دهد، فراتحلیل مطالعات صورت گرفته در زمینه ابعاد دولت کارآفرین، الگوهایی از ابعاد و شاخص‌های دولت کارآفرین را نشان می‌دهد. این مقاله از روش فراتحلیل کیفی برای مطالعه و تحلیل بهره‌برده و فراتحلیل خود را به مقاله‌ها و گزارش‌های علمی‌ای که از سال ۱۳۸۹ به بعد در حیطه دولت کارآفرین و کارآفرینی دولتی تولید شده، اختصاص داده است. انتخاب چارچوب مقاله و گزارش علمی از بین پژوهش‌های انجام شده نشان‌دهنده آن است که نخست تولید مقاله در این حوزه بیش از کتاب و پایان‌نامه است؛ دوم اینکه اصولاً پایان‌نامه‌های برتر، چکیده کار خود را در قالب مقاله عرضه می‌کنند و سوم، دسترسی به متن مقاله‌ها ساده‌تر از پایان‌نامه‌ها است. (خلعتبری، ۱۳۸۷) فراتحلیل را این‌گونه تعریف کرده است: روش فراتحلیل نشان دادن شیوه تفکر در مورد ترکیب نتایج قبلی براساس روش آماری است. در اینجا واحد تجزیه و تحلیل از پژوهش‌ها گرفته می‌شود نه آزمودنی‌ها. در فراتحلیل نتایج تحقیقات مختلف ترکیب می‌شوند تا اینکه نتایج جدید و منسجمی استخراج شود و آنچه موجب سوگیری در نتایج نهایی شده حذف شوند. در مجموع می‌توان گفت فراتحلیل ترکیب

داده‌های چند تحقیق برای یک برآورد واحد است و از نظر آماری فراتحلیل کاربرد مستقیم روش‌های چندعاملی است. مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که با ادغام نتیجه مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را برای یافتن نتایج معنی‌دار افزایش می‌دهد. همین خصوصیت سبب شده است که در سال‌های اخیر، تعداد مقاله‌های مربوط به فراتحلیل افزایش چشمگیری داشته باشند (رضاییان، ۱۳۸۴). فراتحلیل با دید تراکمی، تصویری کلی از یک فعالیت پژوهشی ارائه می‌دهد. به‌بیان‌دیگر، فراتحلیل به پژوهشگران امکان می‌دهد که داده‌های به دست آمده از چندین بررسی و مطالعه را با هم ترکیب کنند. روش فراتحلیل متفاوت و چیزی فراتر از مرور ادبیات پژوهش‌هاست. مرور ادبیات، بیشتر توصیفی و نقلی است، اما فراتحلیل جنبه استنباطی و جامع دارد و به مدد بهره‌مندی از روش‌های آماری، از مرور صرف ادبیات و پیشینه‌ها فراتر می‌رود (آزادی احمدآبادی، ۱۳۹۳).

یافته‌ها پژوهش

نوع و سطح فراتحلیل

فراتحلیل در بسیاری از مواقع با انجام تحلیل‌های آماری، سعی در ترکیب پژوهش‌های پیشین دارد؛ اما با توجه به ماهیت کاملاً کیفی پژوهش‌های انجام شده در حوزه حکمرانی، این پژوهش به صورت کیفی و تحلیلی از روش فراتحلیل استفاده می‌کند. در فراتحلیل کیفی، بیشتر از آمارهای توصیفی استفاده می‌شود. مشخص کردن فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی و درصد فراوانی تجمعی، ترسیم نمودار میله‌ای و دایره‌ای برای نمایش نتایج از ارکان مهم روش فراتحلیل کیفی محسوب می‌شود.

در این مطالعه، ۶۸ مقاله و گزارش در زمینه کارآفرینی دولتی و دولت کارآفرین از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ بررسی شده است. این مقاله‌ها از چهار پایگاه داده علمی داخل و خارج از کشور از جمله (پایگاه مجلات تخصصی نور، مرکز اطلاعات جهاد دانشگاهی کشور، بانک اطلاعاتی نشریات کشور و پرتال جامع علوم انسانی) و موتور جست‌وجوگر گوگل احصا شده‌اند؛ البته در خلال جست‌وجوها به ۸۴ مطالعه در این حوزه دست یافتیم که برخی به لیل معتبر نبودن مرجع یا مشخص نبودن مشخصات نویسنده و غیره، از دامنه فراتحلیل خارج شدند.

یافته‌های توصیفی فراتحلیل

تقسیم‌بندی مقاله‌ها بر اساس شش شاخص صورت گرفته،

گزارش کارشناسی، علمی - پژوهشی، علمی ترویجی و غیره است. جدول زیر توزیع فراوانی هریک از قالب‌ها را نشان می‌دهد.

که عبارت‌اند از: قالب مقاله‌ها، بازه زمانی، سنخ شناسی پژوهشگران، جنسیت پژوهشگران، توزیع جغرافیایی و روش پژوهش. منظور از قالب مقاله‌ها، نحوه انتشار مقاله در قالب

جدول ۲. توزیع فراوانی قالب منتشر شده پژوهش‌های حوزه دولت کارآفرین و کارآفرینی دولتی

ش...ش	مققه		الاس		ققعب
	ععمم	تنتنتی	ععمم	تنتنتی	
44	8	22	3	4	7

(یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

توسط اعضای هیئت علمی، ۳۴ درصد توسط پژوهشگران و دانشجویان و ۱۹ درصد توسط کارشناسان مراکز تحقیقاتی انجام شده‌اند. سهم بالای اعضای هیئت علمی در انجام این پژوهش‌ها می‌تواند نشانگر سطح کیفی بالای پژوهش‌های حوزه کارآفرینی دولتی و دولت کارآفرین باشد. از بین ۱۱۲ پژوهشگری که در زمینه کارآفرینی دولتی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، ۸۴ درصد آن‌ها مرد و ۱۶ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. از لحاظ روش استفاده شده در مقاله‌ها، حدود ۶۵ درصد مقاله‌ها از روش پژوهش کیفی و ۳۵ درصد از روش ترکیبی یا آمیخته استفاده کرده‌اند. نتایج تحلیل براساس فراوانی مؤلفه‌ها در قالب جدول نهایی با رویکرد مدل دولت کارآفرین ترسیم شده است. با توجه به رویکرد تحلیلی که در پژوهش پیگیری شد تمام عوامل دربرگیرنده شاخص‌هایی هستند که براساس تحلیل اسنادی و رویکرد تلخیصی براساس فراوانی مؤلفه‌ها و شاخص‌های دولت کارآفرین تدوین شد که در ذیل بیان شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقاله‌های علمی پژوهشی با فراوانی ۳۲ درصد، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند که این مسئله نشان‌دهنده کیفیت بالای مطالب ارائه شده در خصوص کارآفرینی دولتی است (اگرچه اغلب پژوهشگران کشور تمایل دارند مطالب خود را در مجله‌های علمی پژوهشی منتشر کنند). گزارش‌های کارشناسی با ۱۵ درصد در رده دوم قرار دارد. این گزارش‌ها اغلب به مراکز تحقیقاتی مانند مرکز پژوهش‌های مجلس یا اسناد بالادستی در مجامع علمی کشور از جمله ایران داک، SID، برکنار مطالعات مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهاد ریاست جمهوری و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مربوط می‌شوند که نشان‌دهنده مطالعات مراکز یادشده در این زمینه است. منظور از بازه زمانی، تاریخ انتشار مقاله بوده است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، پژوهش‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷ بررسی شده‌اند. ۶۸ پژوهش انتخاب شده، در مجموع توسط ۱۱۲ پژوهشگر به رشته تحریر درآمده‌اند، که ۴۷ درصد پژوهش‌ها

جدول ۳. ابعاد و شاخص‌های دولت کارآفرین براساس فراتحلیل کیفی

متغیر	شاخص
سیاست‌های کلان	کنترل تورم، نرخ بهره پایین، امنیت اقتصادی، سیستم مالیاتی کارآمد سیاست‌های رقابت و ضد انحصار در دسترسی به منابع مالی، قوانین تجاری (سهولت شروع و اداره یک کسب‌وکار) اجرای سیاست‌ها و قوانین (ممکن است اجرای یک سیاست که در یک کشور اثربخش هست و در کشوری دیگر فاقد اثربخشی) بهبود ظرفیت‌های کارآفرینانه و توسعه فرهنگ کارآفرینانه، بهبود دسترسی به منابع مالی برای کارآفرینان و ...
رسالت محوری	استفاده از قانون تاریخ‌دار، حذف قوانین قدیمی به هنگام وضع قوانین جدید، تعیین کمیسیون بازنگری فعالیت‌های منسوخ، پرداخت، تعلیق و ترفیع مبتنی بر عملکرد نه ارشدیت، حذف سالانه ردیف‌های بودجه غیر لازم، منعطف سازی محل هزینه کرد ردیف‌های بودجه، کارآمدی قوانین و مقررات دولتی، تاکید بر رعایت قانونمندی، ضابطه گرایی و شایسته‌سالاری، تدوین و بازنگری جهت تناسب وظایف و نقش دولت با قانون اساسی در ارتباط با مأموریت سازمان‌ها، سیاست‌زدایی از نظام اداری کشور برگزاری جایزه‌های کارآفرینی و کیفیت، ایجاد تشویق‌های مالی و حمایت‌های انگیزشی، ایجاد مراکز نوآوری، مانک‌های ملی و مراکز رشد تجاری، پاسخگویی به نیازهای کارآفرینان به منظور پیشگیری از جذب آن‌ها توسط کشورهای خارجی، توسعه شبکه‌های کارآفرینی، ایجاد رقابت‌های کارآفرینی

تمرکززدایی	نظر پرسی از کارکنان، تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای کارکنان، ارزشیابی ۳۶۰ درجه در حیطه شاخص‌های کارآفرینی، گروه‌های پروژه‌ای در جهت اجرایی طرح‌های ملی کارآفرینانه، گروه‌های ضربت (میان بخشی) جهت توسعه کارآفرینی در دولت، واگذاری امور اقتصادی کلان به بخش خصوصی، جلوگیری از شکل‌گیری رانت، تصمیم‌گیری از پایین به بالا و مشارکتی، تشکیل گروه‌های مشورتی منطقه‌ای و محلی در حیطه راهکارهای توسعه کارآفرینی، تمرکززدایی در بخش‌های اداری کشور، تمرکززدایی مالی و نحوی بودجه‌ریزی و تمرکززدایی فنی در سطح منطقه‌ای و محلی
حمایت و پشتیبانی	ثبات سیاسی کشور، کارایی چارچوب‌های قانونی در زمینه کسب و کار، قوانین نیروی کار، مالیاتی، قانون ضد انحصار و مالکیت معنوی، ثبات اقتصاد کلان، شرایط برابر برای دسترسی به منابع مالی، نبود محدودیت در بازار مالی و سرمایه کشور، زیرساخت‌های نرم و سخت، کمیت و کیفیت زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی و ارتباطاتی و اطلاعاتی، دسترسی به نتایج تحقیقات در کشور، میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، حمایت دولت از فناوری‌های مدرن، همکاری فناورانه بین شرکت‌ها، انتقال تکنولوژی، اندازه بازار داخل و خارج کشور، رقابت و نبود شرایط انحصار و رانت در بازار کالاها و خدمات و ...، ایجاد واحدهای پژوهش و توسعه به منظور ایجاد کارآفرینی، تأمین منابع دانش و ظرفیت‌سازی برای دسترسی به تکنولوژی مناسب، کاهش تشریفات زائد اداری برای فعالیت‌های کارآفرینانه، فراهم نمودن شرایط لازم برای خوداشتغالی
فرهنگی - اجتماعی	کاهش چندگانگی اهداف در سازمان‌های دولتی، پاسخگویی دولت در مقابل برنامه‌های کلان کارآفرینی کشور، وجود اهداف عملکردی، افزایش تفویض اختیار به کارکنان خلاق و نوآور، ستفراز نظام پیشنهادها کارآفرینانه در سازمان، تشویق کارکنان به ارائه پیشنهادها جدید و اجرایی ایده‌های کارآفرینانه، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در سطح ملی، ایجاد هسته‌های کارآفرینی در دولت، ایجاد رویکرد و نگرش مثبت در دولت نسبت به موضوع کارآفرینی و کارآفرینان، ارائه آموزش‌های خوداشتغالی به کارکنان دولتی و خصوصی، تدوین سیستم ارزیابی و بازخورد شاخص‌های کارآفرینی در دولت، آموزش کارآفرینی از طریق رسانه‌های جمعی
مشتری مداری	تماس با شهروند و نظر پرسی از جامعه، ایجاد انجمن‌های شهروندان، ارائه آموزش خدمت به شهروندان برای خدمتگزاران، ارائه حق انتخاب خدمتگزاران به مردم، واگذاری اختیار کنترل و مهار منابع به مردم، مدیریت کیفیت فراگیر (انتخاب نوع خدمات)، معرفی واضح سازمان شفاف‌سازی نحوه ارتباط با سازمان ارائه خدمت بر مبنای شاخص‌های استاندارد رعایت حقوق مراجعان دریافت بازخورد و رسیدگی به شکایات
عدالت اجتماعی	نظام توزیع محلی، نظام بودجه‌بندی منعطف، نظام پرداخت بر مبنای بازده عملکرد، نظام ارزیابی صحیح و عادلانه، نظام ارتقاء و ترفیع عادلانه و مبتنی بر عملکرد شایسته، قوانین و مقررات عادلانه و تسهیل‌کننده، نفی سلطه و جبر حکومتی، نفی استفاده از امکانات حکومتی برای اهدافی غیر از خدمت به مردم، مسئولیت‌پذیری در قبال حفظ بیت‌المال، آزاداندیشی، ارزیابی نامحسوس، نرم‌خویی، پرهیز از دوباره‌کاری، داشتن انضباط کاری، پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی و مدیریتی
حکمرانی خوب	حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت، اثربخشی حکومت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد
بازار گرایی	تعیین کف عرضه، زمینه‌سازی برای عرضه‌کنندگان بخش خصوصی، تثبیت قدرت خرید مردم، وضع مکانیزم‌های عرضه و تقاضا، وضع قوانین گوشمالی، وضع قوانین تشویقی پذیرندگان اولیه، کارآفرینی در تولید، تشخیص مشتری مرجع، بررسی اولیه بازار، کانال‌های توزیع، شبکه‌های کارآفرینان، مشروعیت اجتماعی، همکاری بین‌المللی کارآفرینان، حذف دلالتان و واسطه‌ها، تصحیح نظام قیمت‌گذاری، ایجاد نظام اطلاعاتی بازار، تدوین، قوانین مناسب صادرات و واردات،

(یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

سیاست‌های کلان نسبت به سیاست‌های خرد در ترویج کارآفرینی نقش بیشتری دارند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

برخی از سیاست‌های کلان عبارت‌اند از: کنترل تورم، نرخ بهره پایین، امنیت اقتصادی، سیستم مالیاتی کارآمد سیاست‌های رقابت و ضد انحصار در دسترسی به منابع مالی

بحران‌های مالی و کاهش رشد اقتصادی و ناکارآمدی حکمرانی، کارآفرینی به شکست می‌انجامد، آن‌ها سه مرحله را در توسعه حکمرانی کارآفرینانه در منطقه دانگوان ترسیم کرده‌اند: مرحله اول شامل صنعتی سازی با سرمایه‌گذاری خارجی است، در این مرحله حکمرانی کارآفرینانه از صنایع با ارزش‌افزوده پایین حمایت می‌کند. مرحله دوم توسعه اقتصاد قرضی است که با نابودی صنایع بومی همراه است و بومیان ناچار هستند به اقتصاد اجاره‌ای اتکا کنند و حکمرانی کارآفرینانه در شکل‌گیری تعاونی‌های کوچک را دربر می‌گیرد. سومین مرحله یک‌رشته بحران‌های اقتصادی است که بعد از بحران جهانی مالی به سلسله بحران‌های مالی در مناطق روستایی منجر می‌شود مادوریا (۲۰۱۳). در تحقیق خود روش‌های کارآفرینانه را به‌مثابه چرخش از مفهوم دولت به مفهوم حکمرانی در نظر گرفته است. طبق نتایج این تحقیق، حکمرانی به‌عنوان شبکه‌های درون‌سازمانی در نظر گرفته می‌شود که گستره وسیعی از بازیگران حوزه‌های خصوصی، عمومی، غیرانتفاعی برای مشارکت در اجرا و توسعه پروژه‌ها گردهم می‌آیند. چرخش از مفهوم دولت به مفهوم حکمرانی به وسیله پژوهش‌گران به‌منزله افزایش تمرکززدایی دولت و اداره عمومی و در نتیجه یک چرخش ایدئولوژیک یا فرصت‌طلبانه از سیاست‌گذاری به سوی نئولیبرالیسم تلقی شده و تغییر و چرخش در مدل‌های حکمرانی شهری قویاً متأثر از دو واژه تمرکززدایی و پراکنده‌سازی است. تئوری‌های تمرکززدایی برای ایجاد و گسترش مشارکت مدیریت منطقه‌ای در روند تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای به‌منظور پی‌ریزی توسعه درون‌زا و پایدار در مناطق محلی رو به گسترش است.

اقتصاد ایران در چند دهه گذشته گرایشی پیوسته به تمرکز یافتن و افزایش نقش دولت در اقتصاد داشته است. بحث تمرکززدایی به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی اثرگذار به اقتصاد مبتنی بر بازار مطرح شد و به‌عنوان عامل مهم در افزایش رشد اقتصادی تلقی شد (لی و چانگ، ۲۰۱۱). با توجه به نقش تمرکززدایی در دولت کارآفرین مطمئناً دولت‌ها باید در بخش‌های مهمی از جمله تمرکززدایی مالی، اداری و نحوی بودجه‌ریزی جهت رشد کارآفرینی در کشور گام اساسی بردارند. بالأخص در شاخص‌های چون: نظر پرسی از کارکنان، تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای کارکنان، ارزشیابی ۳۶۰ درجه در حیطه شاخص‌های کارآفرینی، گروه‌های پروژه‌ای در جهت اجرایی طرح‌های ملی کارآفرینانه، گروه‌های ضربت

قوانین تجاری (سهولت شروع و اداره یک کسب‌وکار) اجرای سیاست‌ها و قوانین (ممکن است اجرای یک سیاست که در یک کشور اثربخش است و در کشوری دیگر فاقد اثربخشی)، بهبود ظرفیت‌های کارآفرینانه و توسعه فرهنگ کارآفرینانه بهبود دسترسی به منابع مالی برای کارآفرینان و غیره است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷). در تحقیقی که در سطح ۲۶ کشور اروپای مرکزی و شرقی، روسیه و ترکیه به‌وسیله بانک توسعه و نوسازی اروپا و بانک جهانی انجام شد، نتایج گویای آن است که در کشوری مانند روسیه سفید (بلاروس) سیاست‌های کلان مانند سیستم مالیاتی (نرخ‌ها و تعدد موارد مالیاتی، تغییرات در الزامات مالیاتی)، قوانین و مقررات متعدد و بی‌ثبات، کنترل‌های بیش‌ازحد از طریق سازمان‌های دولتی، سختی دریافت مجوز و ثبت شرکت و فساد مقامات در سطح کلان موانعی مهم برای توسعه کارآفرینی دولتی هستند (کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا، ۲۰۰۷).

سیاست‌های کلان در مطالعات (بانک جهانی، ۲۰۱۵؛ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا، ۲۰۰۷؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷؛ کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل؛ ۲۰۰۵؛ بووسما، ۲۰۱۰؛ مقیمی، ۱۳۸۳؛ حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۶؛ داوری، ۱۳۹۶؛ یدلهی فارسی و همکاران، ۱۳۸۹؛ الوانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ قمیرعلی، ۱۳۹۵؛ زنگ‌آبادی، ۱۳۹۶). مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی‌های اصلی سازمان‌های کارآفرین، این سازمان‌ها را مجهز به قابلیت‌هایی می‌کند که ضمن ارتقای کارآمدی، قادر به بهره‌گیری بهتر از فرصت‌های موجود و انطباق‌پذیری بیشتر با محیط پیرامونش می‌شوند.

نتایج فرا تحلیل کیفی نظرات و مبانی نظری گویای آن است که شاخص حکمرانی خوب در تحقق دولت کارآفرین می‌تواند نقش داشته باشد که در مطالعات نظری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهاد ساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به‌گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا و از این رهگذر به‌عنوان دست‌یاری‌دهنده بازار موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم سازد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱).

ژو و ووب (۲۰۱۵) به بررسی توسعه حکمرانی کارآفرینانه در منطقه دانگوان چین پرداخته‌اند و معتقدند به دلیل

(میان بخشی) جهت توسعه کارآفرینی در دولت، واگذاری امور اقتصادی کلان به بخش خصوصی، جلوگیری از شکل گیری رانت، تصمیم گیری از پایین به بالا و مشارکتی، تشکیل گروه های مشورتی منطقه ای و محلی در حیطه راهکارهای توسعه کارآفرینی، تمرکززدایی در بخش های اداری کشور، تمرکززدایی مالی و نحوی بودجه ریزی و تمرکززدایی فنی در سطح منطقه و محلی که در مطالعات (وانگ، ۲۰۱۰؛ آپیمورا و سوزوکی، ۲۰۰۹؛ لی و چانگ؛ لالونا، ۲۰۱۱) به اهمیت تمرکززدایی در بخش های مختلف کشور تأکید کرده اند.

عوامل اقتصادی و بازاری می توانند باعث برانگیختن و پرورش فعالیت های کارآفرینانه به طور کل و کارآفرینی سازمانی دولتی به طور خاص شوند برخی از این عوامل عبارتند از: افزایش تمرکز بر شکل گیری سرمایه، برنامه های حمایتی دولتی، ارزیابی مجدد مالکیت معنوی، روندهای سبک زندگی، موقعیت جغرافیایی یک سازمان و تغییرات جمعیت شناختی، ویژگی های مشتریان و نحوه تعامل آن ها با سازمان، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع مالی و انسانی، تورم، مالیات بالا و در دسترس نبودن درونداها نیز از جمله مهم ترین موانع اقتصادی و بازاری در راستای شکل گیری فعالیت های کارآفرینانه در دولت به شمار می آیند. برخی از پژوهشگران نیز معتقدند ساختار، اندازه و رشد بازار و وضعیت رقبا از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تصمیم سازمان ها در خصوص ورود به بازارهای جدید، ارائه محصولات و خدمات جدید و یا پیاده سازی فرایندهای کارآفرینانه جدید هستند.

به طور کلی محیط بیرونی سازمان ها با فراهم کردن انگیزه ها و محرک های بازار و فراهم آوردن سرمایه باعث پرورش کارآفرینی می شود محرک های بازار، فرصت هایی را ارائه می کنند که از منابع لازم برای رفتار کارآفرینانه در سازمان های دولتی مورد نظر قرار گیرد. با افزایش رشد اقتصادی، شرایط لازم برای ارتقای کارآفرینی هم بهبود می یابد در مقابل، جوامعی که با رکود اقتصادی مواجه هستند از انگیزه های بازاری محدودی برخوردارند و سطح تجمع سرمایه نیز در حد پایینی قرار دارد که در این وضعیت رشد کارآفرینی در کل کشور دچار سیر نزولی می شود که در مطالعات (کورنوال، ۱۹۹۹؛ روسو و کورفا، ۱۹۹۶؛ گوردون، ۲۰۰۳؛ ویت لوک، ۲۰۱۴؛ زهرا، ۲۰۱۵). نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

عوامل اجتماعی فرهنگی

متمددی به عنوان شرایط لازم برای شکل گیری یک فرهنگ کارآفرینانه در نظر گرفته می شوند، به طور خاص جوامعی که

تأکید زیادی بر تحرک اجتماعی، تفکر مستقل و ارزش های مادی دارند، از نظر ماهیتی تمایل بیشتری به کارآفرینی داشته و استقلال و پیشگامی را تشویق می کنند. کار سخت، صرفه جویی، تلاش برای پیشرفت مادی، مسئولیت پذیری شخصی، قابلیت اطمینان، خودتنظیمی و دارا بودن انگیزه های شخصی از دیگر ویژگی ها و ارزش هایی هستند که شرایط یک جامعه را برای پرورش کارآفرینی مهیا می سازند. اجتناب از عدم اطمینان، فاصله قدرت کم، فردگرایی، مردگرایی، موفقیت گرایی، عدم تبعیض، حفظ حقوق فردی و سهولت تحرک اجتماعی از جمله مهم ترین ویژگی های اجتماعی و فرهنگی است که می توانند در کنار سایر عوامل، بسترهای لازم برای شکل گیری فعالیت های کارآفرینانه در دولت را فراهم آورند و در مطالعات (مولرو توماس، ۲۰۰۱؛ اسپنسر و کوکز، ۲۰۰۴؛ گوردون و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسپنسر، ۲۰۰۳؛ لوک، ۲۰۰۶؛ گورجین، ۲۰۰۷). نیز به نقش عوامل اجتماعی فرهنگی تأکید شده است.

ملاک مهم دیگری که در دولت کارآفرین نقش دارد عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی در مطالعات قلی پور (۱۳۸۳)، نصیری زنگ آبادی (۱۳۹۶) و نصرتی (۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفته است. عدالت در ارتباط دوسویه با دولت کارآفرین است. زیرا دولت کارآفرین در مفهوم ایده آل آن، متضمن توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات جامعه در میان افراد، گروه ها و طبقات اجتماعی برای رسیدن به عدالت اجتماعی است که قانون اساسی برای رسیدن به آن ها تدابیری پیش بینی کرده است.

۱. عدالت به معنای رفع تبعیض؛ اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی و پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه می کند (بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم).

۲. عدالت به معنای برابری در امتیازات؛ اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان در حمایت قانون قرار داد.

۳. عدالت به معنای حق و حقوق متناسب؛ اصل بیست و نهم قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی را حق همه شهروندان ایرانی و اصل سی ام، آموزش رایگان را حق همه شهروندان دانسته است.

۴. عدالت به معنای برقراری شرایط مساوی و برابر؛ اصل بیست و هشتم قانون اساسی دولت را موظف نمود که با رعایت نیاز جامعه، به ایجاد مشاغل گوناگون بپردازد و برای همه افراد

نداشتن برنامه اجرایی صحیح؛ وجود مدیران ناکارآمد؛ نهادینه نشدن رفتارهای مربوط به موضوع اجتماعی؛ وجود سازمان‌های موازی و تداخل در مسئولیت‌ها؛ تشتت نهادهای سیاست‌گذار و ناهماهنگی در سیاست‌گذاری؛ از عوامل بازدارنده ساختار سازمانی است (قلی‌پور، ۱۳۸۳).

فعالیت‌ها و تصمیمات دولت، روش فعالیت و عملکرد سازمان‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تغییرات در مقررات و الزامات قانونی و فرایندهای سیاسی و قضایی، فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را ایجاد می‌کنند و بر نحوه ارائه خدمات و محصولات اثر می‌گذارند. بعد قانونی کارآفرینی شامل قوانین و مقررات و خط‌مشی‌های دولتی است که رفتارهای خاصی را پرورش داده و از بروز رفتارهای دیگری ممانعت می‌کنند (کرم‌اله، ۲۰۱۶). از طرف دیگر، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی می‌توانند مانعی در جهت موفقیت کارآفرینی باشند. پژوهشگران نشان داده‌اند که الزامات و رویه‌های سنگین و متعدد ممکن است فعالیت‌های کارآفرینانه را محدود سازند (ورواردا، ۲۰۰۹). عدم اطمینان و عدم ثبات در سیاست‌های دولتی، ناسازگاری و ناهماهنگی بین این سیاست‌ها و مداخله‌های سیاسی نیز تأثیرات قابل‌توجهی در شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های کارآفرینانه دارند (کرم‌اله، ۲۰۱۶). علاوه بر این، یک سیستم سیاسی باید بر آزادی انتخاب، حقوق افراد، قواعد دموکراتیک و تعادل دولت مبتنی باشد. دولت‌ها می‌توانند از طریق برطرف کردن نقایص بازار، حذف قواعد و مقررات مبهم، ارائه منابع مالی لازم برای انجام اقدامات و پژوهش‌های نوآورانه، حمایت از انکوباتورها، ارائه انگیزه‌های مالیاتی و مشاوره‌های مدیریتی، آزادسازی سیاست بازرگانی و اتخاذ یک خط‌مشی مالی منظم، به رشد کارآفرینی کمک کنند این تأثیرات به خصوص در سازمان‌های بخش دولتی بسیار چشم‌گیرتر و ملموس‌تر می‌باشند (کرم‌اله، ۲۰۱۶؛ اوزبور، ۱۹۹۲؛ ساب‌هارول، ۲۰۱۳؛ بوکس و ریچارد، ۱۹۹۹).

ادبیات موضوع نشان می‌دهد که سازمان‌ها در اثر افزایش پویایی و عدم اطمینان محیطی، استراتژی‌های تهاجمی‌تر و پیشگامانه‌تری را اتخاذ می‌کنند (جانانان فردوس و همکاران، ۲۰۰۴؛ اروین و استابوری، ۲۰۱۶). علاوه بر این، در محیط‌های متخاصم، که با ویژگی‌هایی همچون رقابت سخت در قیمت، محصول، فناوری، توزیع محصولات، تهیه منابع و روندهای جمعیتی نامطلوب مشخص می‌شوند، تغییرات سریع بسیار زیاد بوده و سازمان‌ها برای بقا در چنین محیطی مجبور به پیگیری پروژه‌های نوآورانه و پرمخاطره و کارآفرینانه هستند (ویلیام، ۲۰۰۰؛ کابولینان، ۱۹۹۸؛ ایوانز، ۲۰۱۲).

امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل فراهم نماید.

ویژگی‌های ساختاری دولت عدالت محور شامل شاخص‌های نظام توزیع محلی، نظام بودجه‌بندی منعطف (نظام توزیع محلی به شناسایی بهتر فرصت‌ها و نیازها کمک می‌کند و نظام بودجه‌بندی منعطف سعی در سازگاری شرایط و نیازهای محیطی با بودجه تخصیصی دارد که هر دوی آن‌ها به نظام عادلانه توزیع و تخصیص منابع کمک خواهد کرد)، نظام گزینش بر مبنای شایسته‌سالاری، حاکمیت گزینش ضابطه مدار بر رابطه مدار، نظام پرداخت بر مبنای بازده عملکرد، نظام جامعه مرکب (رعایت حقوق اقلیت‌ها و دسترسی آن‌ها به ساختار قدرت)، نظام مشارکت عادلانه افراد در سازمان‌ها، نظام ارزیابی صحیح و عادلانه، قوانین و مقررات عادلانه و تسهیل‌کننده، نظام ارتقا و ترفیع عادلانه و مبتنی بر عملکرد شایسته، وجود تنوع فرهنگی و در نتیجه آن هم‌افزایی فرهنگی. مشکلات و علل عدم توفیق دولت در تحقق عدالت اجتماعی به دو گروه مشکلات سیاستی و اجرایی طبقه‌بندی می‌شود:

الف- مشکلات در اجرا؛ دودسته مشکلات و علل در این بخش مورد توجه قرار گرفته است. موانع و مشکلات فرهنگی، مشکلات و موانع سیاسی. فقدان مفهوم مشترک از عدالت در جامعه؛ فقدان آگاهی‌های مردم؛ نداشتن توان و روحیه خلاقیت؛ ریشه تاریخی بی‌عدالتی در جامعه ایران؛ ضعف عقلانیت و قوای ادراکی و نبود نگاه یکسان به همه اقشار جامعه به‌عنوان علل فرهنگی یاد شده است. برخورد لازم با متخلفان؛ وجود رانت‌های سیاسی و اقتصادی؛ عدم هماهنگی بین بخش‌های مقننه، مجریه و قضاییه و منابع گوناگون قدرت از جمله علل سیاسی بر شمرده شده است.

ب- مشکلات سیاستی؛ این بخش از مشکلات نیز به دو گروه علل اقتصادی و علل ساختاری طبقه‌بندی شده است. تخصیص و توزیع نامناسب منابع ثروت؛ تمایل بخش‌هایی از جامعه به رانت‌خواری و سود طلبی به‌جای تقویت تولید و تکنولوژی؛ عدم توجه لازم به مزیت‌های اقتصادی کشور مانند کشاورزی و ترویج تجارت و دلالتی به‌جای تولید؛ به‌عنوان علل اقتصادی بر شمرده شده که مشکل آن در تدوین سیاست؛ ارزیابی شده است. شفاف نبودن مقررات اقتصادی و تجاری؛ ناکافی و ناکارآمدی قوانین موجود با سیاست‌های غلط اقتصادی از جمله وجود انحصارات و پرداخت یارانه‌ها و مناسب نبودن برنامه‌ها با واقعیت‌های موجود؛ از جمله مشکلات ساختار قانونی تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید.

مباحث نظری با رویکرد فراتحلیل کیفی شکل گرفته است الگویی مفهومی دولت کارآفرین در ایران را ارائه می کند.

در بخش دولتی، همانند بخش خصوصی، افزایش عدم اطمینان و پویایی محیط، منجر به پرورش رفتارها و فعالیت های کارآفرینانه می شود (همیسی، ۲۰۱۴؛ گرور، ۱۹۹۳؛ الیکا، ۲۰۱۴؛ گلاسر، ۱۹۹۹؛ انوپ و همکاران، ۲۰۱۷؛ بوری، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر ابعاد و شاخص های بومی دولت کارآفرین مورد بررسی قرار گرفت. شکل زیر که براساس



شکل ۵. ابعاد و شاخص های دولت کارآفرین در ایران (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

برای ایجاد یک جامعه با ثبات و مترقی فراهم شود. با پیدایش اقتصاد جهانی و افزایش آگاهی ها از رقابت پذیری، دولت ها به طور فزاینده ای درصدد انجام وظیفه دیگری هستند، یعنی پرورش و توسعه کارآفرینی. کارآفرینی دولتی رویکردی نوین در

بحث و نتیجه گیری

به طور سنتی نقش دولت محدود به سیاست و اداره امور بوده است؛ یعنی اجرای قوانین و مقررات و تضمین اینکه این قوانین و مقررات به طور مناسب به اجرا گذاشته شوند تا زمینه های لازم

مداخله‌های سیاسی، ضعف در شایسته‌سالاری، پیچیده بودن و عدم شفافیت قوانین و مقررات و همچنین دست و پاگیر بودن برخی از آن‌ها از جمله مهم‌ترین مشکلات در زمینه کارآفرینی دولتی به شمار می‌آیند. البته باید توجه داشت این پژوهش با رویکرد نظری و با رویکرد فراتحلیل کیفی به انجام رسید. یافته‌ها مشخص ساخت عوامل اقتصادی و بازار می‌تواند در دولت کارآفرین نقش داشته باشند. به نظر می‌رسد تورم موجود در اقتصاد جامعه مشکل دسترسی به منابع و دروندادها، فساد اداری و اقتصادی به همراه کمبود بودجه موانع مهمی در راه شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان‌های دولتی به شمار می‌آیند. مشکل اصلی دیگر در این رابطه عدم تعامل سازنده و اثربخش سازمان‌های دولتی با مشتریان خود است به طوری که مشتریان این سازمان‌ها که اغلب عموم مردم و شهروندان هستند، رغبتی به ارائه نظر و ایده‌های خود ندارند. البته فقدان سازوکارهای مؤثر در این خصوص نیز تأثیرگذار است.

تمایل به حفظ وضعیت موجود و مقاومت در مقابل تحول و نوسازی، ضعف در پایبندی و رعایت اخلاق حرفه‌ای، توجه اندک نظام آموزشی به تشویق و پرورش رفتارهای کارآفرینانه از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلات در توسعه کارآفرینی دولتی محسوب می‌شوند. علاوه بر این، توجه شدید رسانه‌ها و عموم مردم بر فعالیت‌های سازمان‌ها به‌ویژه فعالیت‌های مخاطره‌آمیز این سازمان‌ها که عمدتاً ناشی از مشهود بودن بالای فعالیت‌های بخش دولتی است، می‌تواند محدودیت دیگری در راه پرورش و شکل‌گیری اقدامات و رفتارهای کارآفرینانه در سازمان‌های دولتی باشد.

نتایج فرا تحلیل کیفی گویای آن است که بازآفرینی دولت با رویکرد کارآفرینی نظر ساده یا تفسیر جزئی در شیوه مدیریت نیست، بلکه تغییری همه‌جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان است که هدایت‌گری را جایگزین تصدی‌گری می‌کند. دولت کارآفرین تغییر در شیوه مدیریت دولت و توجه خود را بر نتیجه داده‌ها متمرکز کرده است برخلاف دولت‌های بوروکراتی که بر داده‌ها متمرکز هستند. بخش دولت تعهدات، پاسخگویی و اهداف متفاوت با بخش خصوصی دارد و اغلب تصور می‌شود بخش دولتی مجموعه‌ای بوروکراتی، محافظه‌کار و غیرشفاف است با این تصور چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بخش دولتی نمی‌تواند کارآفرین باشد گرچه بخش دولتی مخالف کارآفرینی نیست، اما ساختار سنتی و بوروکراسی، ارزش‌ها و کاربردهای سنتی دارد. اصلاحات اخیر در کاربردهای بوروکراتی این امکان را فراهم ساخته است که اقدام کارآفرینانه به‌طور منطقی شبیه‌سازی شوند. براساس نتایج پژوهش مؤلفه‌های

مدیریت سازمان‌های دولتی محسوب می‌شود و سازمان‌های بخش دولتی می‌توانند از طریق اتخاذ یک رویکرد کارآفرینانه، ارزش‌های جدیدی را به ذی‌نفعان مختلف خود ارائه دهند. با این حال، نتایج پژوهش حاضر نشان داد به‌کارگیری و اشاعه رفتارها و اقدامات کارآفرینانه در سازمان‌های دولتی ایران در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارد.

سیاست‌های کلان، بارازگرایی، خطمشی و رسالت‌ها، مشتری‌مداری، حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها در کنار تمرکززدایی و عوامل فرهنگی اجتماعی براساس فراتحلیل کیفی از مهم‌ترین عوامل در سوق دادن دولت‌ها به سوی کارآفرینی است. بنابراین تمرکز بر این عوامل می‌تواند مسیر حرکت به سوی پرورش و بهبود کارآفرینی در دولت را هموار سازد.

بررسی‌ها نشان داد ساختارهای دولتی به‌شدت به سمت مکانیکی و بوروکراتیک بودن گرایش دارند و از وضعیت کارآفرینانه و ارگانیک دور هستند. البته باید توجه داشت ساختارهای سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک، جزئی از کالبد و اساس سازمان‌های بخش دولتی می‌باشند که به خاطر نیاز به اعمال کنترل و تضمین مسئولیت‌پذیری در بخش دولتی ایجاد و شکل می‌گیرند. حال این سال مطرح می‌شود که با توجه به الزامات سازمان‌های بخش دولتی به استفاده از ساختارهای سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک، چگونه می‌توان کارآفرینی را پرورش داد؟ برای پاسخ به این سؤال توجه به دیدگاه متسون (۱۹۹۶) تا حد زیادی راهگشاست، وی معتقد است در سازمان‌های دولتی خوشه‌ها و ساختارهای ارگانیکی درون شکاف‌های ساختار رسمی سلسله‌مراتبی یافت می‌شوند. وی مشاهده کرد کارآفرینی در بخش دولتی از ساختارهای بوروکراتیک سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه در اثر پرورش خوشه‌های ارگانیک درون ساختار سازمان شکل می‌یابد. بنابراین، سازمان‌های دولتی می‌توانند با استفاده از امکانات و قابلیت‌هایی که در اختیار دارند و با استفاده از کانال‌های رسمی و غیررسمی، شرایط لازم را برای انجام رفتارها و اقدامات کارآفرینانه فراهم آورند.

نگاهی به ابعاد و شاخص‌های کارآفرینی سازمانی از جمله بهسازی فرایندها، بهبود کیفیت خدمات ارائه شده، استفاده از روش‌های نو در انجام خدمات، ارتقای رضایتمندی کارکنان و مشتریان، نیز مؤید این مطلب است که کارآفرینی در سازمان‌های دولتی می‌تواند علی‌رغم وجود بوروکراسی و ساختار سلسله‌مراتبی شکل یابد. با این حال، مکانیسم‌های سخت کنترل و پاسخگویی باعث محدود شدن انعطاف‌پذیری ساختار سازمان در بخش دولتی می‌شوند. توجه به شاخص‌های مدیریت و رهبری تحول‌آفرین و کارآفرینانه از ضرورت بالایی در سازمان‌های دولتی ایران برخوردار است و نیازمند توجه بیشتری است.

نتایج فرا تحلیلی کیفی مبانی نظری و اسنادی گویای آن است که ویژگی دولت کارآفرین عبارت‌اند از: صرفه‌جویی، کارایی و اثربخشی در کلیه سطوح دولت؛ تمرکز بر ستاده‌ها به‌جای داده‌ها؛ تدوین روشن اهداف فردی و سازمانی؛ انعطاف‌پذیری سازمان‌ها و فاصله از بوروکراسی؛ خصوصی‌سازی و برون‌سپاری؛ افزایش رقابت میان ارائه‌کنندگان خدماتی، کاهش اندازه، مقیاس و دامنه دولت و ارزیابی سیستمی عملکرد دولت کارآفرین. کارآفرین باید مخاطره‌های یک فعالیت را سازمان‌دهی، اداره و تقبل کند. کارآفرین در جهت موفقیت در کسب‌وکار ابتدا باید با تکیه بر خلاقیت و نوآوری و پذیرش مخاطره، ایده‌های نو را بیافریند و به اجرای آن در فرآیند کارآفرینی بپردازد و طی فرآیند کارآفرینی به سازمان‌دهی و اداره مخاطره و ریسک اقدام نماید. فرآیند کارآفرینی نیز در سه مرحله شکل‌گیری تفکر، تدوین برنامه فعالیت کاری و اجرای تفکر صورت می‌پذیرد. کارآفرینی را می‌توان به صورت‌های مختلف آزاد و مستقل، درون‌سازمانی و سازمانی به انجام رساند. سازمان‌هایی که کارآفرینی را به کار گرفته‌اند و سازمان کارآفرین قلمداد شده‌اند، از سطوح مختلف سازمان تحت چالش کارآفرینی، سازمان کارآفرینی تصادفی و سازمان متمایل به کارآفرینی برخوردارند.

به‌عنوان یک نتیجه کلی می‌توان گفت کارآفرینی و به‌تبع آن، کارآفرینی دولتی، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. بنابراین، نهادینه کردن آن در سازمان‌ها دولتی، مستلزم رویکردی سیستماتیک، واقع‌گرایانه و بلندمدت و فراجناحی است و رویکردهای جزئی، کوتاه‌مدت و مقطعی کارساز و مفید نخواهند بود. در نظر گرفتن عواملی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند و توجه به نقاط قوت و کاستی‌های این عوامل، می‌تواند تا حد زیادی مسیر حرکت به سمت استقرار دولت کارآفرین را در ایران روشن سازد.

با توجه به نتایج حاصله از تحلیل محتوایی موارد ذیل به‌عنوان پیشنهادها کاربردی مطرح می‌شود:

- اتخاذ تمهیدات لازم برای ارتقای شاخص‌های حکمرانی خوب در راستای توسعه دولت کارآفرین؛
- اتخاذ تمهیدات لازم برای ارتقای شاخص احترام به مردم در راستای تقویت متغیر تعلق به مردم؛
- تلاش در جهت آماده‌سازی زمینه برای ورود بخش خصوصی جهت همیاری در خدمت‌رسانی عمومی در راستای تقویت متغیر بازارگرایی و مشتری‌مداری و توسعه عدالت اجتماعی؛
- ایجاد کمیسیونی برای بازنگری در قوانین موجود سازمانی در جهت تعدیل و حذف و اضافه کردن مقررات در راستای دوری

اساسی دولت کارآفرین و ابزارهای ساختاری مناسب برای تحقق آن مردم‌سالاری دینی و مشارکت عمومی، دولت مشارکتی، دولت پاسخگو، دولت عدالت محور و درنهایت دولت اثربخش است، هرکدام دارای ویژگی‌های و ارزش‌های متفاوتی نظیر مدیریت مشارکت مردمی، مدیریت مشارکتی، مدیریت پاسخگو، مشارکت عادلانه و مدیران دولتی متعهد و خلاق است. در مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی و مشارکت عمومی عدم تمرکز، رتباطات و اطلاعات گسترده و دوسویه، قوانین شفاف و الگوی انتخاب عقلایی از مهم‌ترین ابزارهای ساختاری است.

همچنین در هر کدام از مؤلفه‌های گفته شده ابزارهای ساختاری مناسبی وجود دارند که در دولت مشارکتی این ابزارها عبارت‌اند از: ساختار سطح به‌جای سلسله‌مراتبی، الگوی مشارکتی و مشورتی در روش‌های تصمیم‌گیری، تفویض اختیار و قدرت، نظام شراکتی و بازار منعطف و باز.

نتایج گویای آن است که عدم تمرکز، کنترل محلی و منطقه‌ای، ساختار حرفه‌ای، توازن قدرت با مسئولیت و پاسخگویی، ابزارهای موجود در دولت پاسخگو است. در دولت عدالت محور نیز ابزارهای ساختاری مناسب شامل نظام‌های توزیع محلی، نظام‌گزینه‌برمبنای شایسته‌سالاری، نظام بودجه‌بندی منعطف و الگوی جامعه مرکب است.

از جمله مهم‌ترین پیامدهای استقرار دولت کارآفرین می‌توان به تغییر نقش دولت در زمینه توسعه اجتماعی اقتصادی به عاملی هدایت‌گر و تسهیل‌کننده، کوچک‌سازی ساختار دولت از طریق فنون متداول در بخش غیردولتی، تأکید به نتایج به‌جای توجه به فرآیندها، ایجاد انعطاف در قوانین و مقررات و کاهش آن‌ها، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری کارکنان سازمان‌ها و همچنین واگذاری امور به بخش غیردولتی اشاره کرد.

تکریم ارباب‌رجوع، تمرکززدایی با تفویض بیشتر اختیارات، توجه به کارایی در بخش دولتی، کاهش هزینه‌های دولت و صرفه‌جویی، حذف مقررات و تشریفات زائد اداری، ایجاد زمینه‌های نوآوری، خلاقیت و درنهایت تأکید بیشتر به نظم و انضباط و جلوگیری از اسراف منابع از دیگر پیامدهای استقرار دولت کارآفرین است.

نتایج گویای آن است که از وظایف دولت کارآفرین تعیین یک چارچوب سازمانی است تا بوروکرات‌ها و کارگزاران بتوانند به صورت کارآفرین عمل کنند و تقاضا برای نوآوری و استقلال و پاسخ‌گویی زیاد شود. ارائه خدمات عمومی در سطح خرد منجر به افزایش تقاضا برای مشتری‌مداری می‌شود که در این صورت بهبود بهره‌وری و حرفه‌گرایی در سازمان‌های دولتی ضروری است.

– تطبیق هریک از ابعاد و شاخص‌های نهایی مدل با شاخص‌های موجود در اسناد بالادستی کشور به جهت طراحی یک مدل ایرانی اسلامی برای کشور.

– آزمون یک مدل بومی محض با استفاده از ۹ متغیر حاصله در کنار هم به‌عنوان یک مدل مجزا.

– اعتباریابی استخراج شاخص‌های ۹ متغیر حاصله از منابعی غیر از منابع استفاده شده به وسیله محقق و آزمون آن شاخص‌ها در شرایط دیگر از نظر زمانی.

– بررسی ارتباط درونی میان ۹ متغیر حاصله در جهت تبیین تأثیرشان بر یکدیگر در راستای بهبود مدل بومی دولت کارآفرین.

محدودیت‌های پژوهش

در انجام هر پژوهشی طبیعتاً مسائل و مشکلاتی بروز می‌کند که ممکن است باعث ایجاد وقفه در روند آن، طولانی‌تر شدن پژوهش شد. این پژوهش نیز دور از وادی مشکلات یاد شده نبوده است که به اختصار به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. کمبود منابع اطلاعاتی به‌ویژه در داخل کشور؛ شاید دلیل این مسئله را بتوان با این مطلب توضیح داد که به علت گسترده و بنیادی بودن حیطة مطلب که تنها می‌توان با یک فعالیت ملی آن را به انجام رساند انرژی و جرات نزدیک شدن برای انجام آن و بالطبع تولید محصولات و متون علمی هنوز صرف آن نگشته است.
۲. تعدد و پراکندگی زیاد منابع آماری در کشور؛ این مسئله از طریق ایجاد تردهای زیاد باعث تحلیل زمان، انرژی و هزینه فراوان شد.

منابع

- الوانی، سید مهدی؛ محمدی الیاس، قنبر؛ خنیفر، حسین؛ جندقی، غلامرضا و وکیلی، یوسف (۱۳۹۰). «کارآفرینی در بخش عمومی، رویکرد هم‌افزایی». *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۴(۱۲)، ۵-۲۸.
- الوانی، سید مهدی و صمدی، علی (۱۳۸۱). «بازآفرینی دولت مروری بر دیدگاه‌های موافقان و مخالفان». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۴(۱۵)، ۲۵-۵.
- آراستی، زهرا؛ سفیدگر، افروز و زعفریان، رضا (۱۳۹۴). «تبیین نقش مؤلفه‌های فردی، محیطی و سیستمی در موفقیت آموزش الکترونیکی کارآفرینی دانشگاه تهران». *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۸(۱)، ۶۱-۷۹.
- آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۳۹۲). «رویکرد فراتحلیلی: ظرفیت‌ها و خلاها». *علوم اجتماعی*، ۷۱، ۸۹-۸۲.
- حق شناس اصغر؛ جمشیدیان، مهدی؛ شامی، علی؛ شاهین، آرش و یزدان شناس مهدی (۱۳۸۶). «الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران». *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۲(۸)، ۷۳-۳۱.
- خلعتبری، جواد (۱۳۸۷). *آمار و روش تحقیق*. تهران: نشر پردازشگران.
- داوری، علی؛ سفیدبری، لیلا و باقر صاد، وجیهه (۱۳۹۶). «عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران براساس مدل آیزنبرگ». *توسعه کارآفرینی*، ۱۰(۱)، ۱۰۰-۱۲۰.

از نگرش روزمرگی و تحکیم متغیر رسالت محوری و توسعه کارآفرینی در بدنه دولت؛

– اقدام برای تشکیل گروه‌ها مطالعاتی کارآفرینی در جهت استفاده از توان اجتماعی جامعه در راستای تقویت متغیر مشتری مداری؛

– تقویت روحیه و گرایش به استفاده از پتانسیل گروه‌های پروژه‌ای در خدمت در راستای بهبود و ارتقای متغیر تمرکززدایی در سازمان‌هایی دولتی؛

– ایجاد و بهبود مکانیسم‌های پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی و مدیریتی برای جلب اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دولت‌ها در توسعه کارآفرینی و اشتغال در جامعه؛

– تقویت استفاده از نگاه نقادانه به عملکرد خویش در جهت بهبود رویه‌های کارآفرینی در راستای تقویت و بهبود متغیر توسعه مدیریت جهادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی.

پیشنهادها پژوهشی

در کنار پیشنهادهایی کاربردی، موارد ذیل به‌عنوان پیشنهادها پژوهشی ارائه می‌شود:

– بررسی مشروح و موردی هر یک از ابعاد ۹ گانه جدید شناسایی شده در پژوهش اخیر به‌عنوان یک تیتراژ جداگانه پژوهشی در راستای تدوین مدل ساختاری دولت کارآفرین.

– ارزیابی کیفی ابعاد استخراج شده توسط نخبگان دانشگاهی و سیاست‌مداران به جهت تأیید، ارتقای قابلیت تعمیم دهی آن و نیز تدوین یک مدل جامع تریومی دولت کارآفرین در کشور.

- دیوسالار، سمانه و فرشاد بزرگی (۱۳۹۱). بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران.
- رضاییان، محسن (۱۳۸۴). «واژه‌نامه توصیفی فراتحلیل‌ها». مجله پزشکی، علوم در آموزش ایرانی، ۵(۲)، ۱۴۵-۱۴۳.
- سامتی، مرتضی؛ همایون، رنجبر؛ فضیلت، محسنی (۱۳۹۳). «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص‌های توسعه انسانی؛ مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه-اقتصادی، ۱(۴)، ۲۲۳-۱۸۳.
- سمیعی پاقعه، محبوبه؛ رضایی، احمد؛ منتظری، علی‌اکبر و سمیعی، روح‌ا... (۱۳۹۱). ارائه چارچوب تحلیلی - ادراکی مناسب از کارآفرینی دولتی. نخستین همایش ملی علوم مدیریت نوین، گرگان، شهریور ۹۱.
- قمبرعلی، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی‌بیگی، امیر حسن و کیومرث زرافشانی (۱۳۹۵). «واکاوی محتوای سیاست‌ها در تطابق با ابعاد اکوسیستم کارآفرینی». توسعه کارآفرینی، ۱(۹)، ۷۵-۸۹.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران». دانش مدیریت، ۸(۶)، ۱۱۱-۸۵.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۸۳). «عوامل مؤثر بر کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های بخش خدمات اجتماعی و فرهنگی دولتی ایران». مدیریت فرهنگ‌سازمانی، ۷(۷)، ۲۷-۷۸.
- نصرتی، علیرضا (۱۳۹۵). ارائه الگوی راهبردی اشتغال با رویکرد کارآفرینی براساس گفت‌وگو با امام و رهبری، قانون اساسی، تجارب جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از تجارب موفق بشری، رساله دکتری، دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نصیری زنگ‌آبادی، عباس؛ رسولی، رضا؛ الوداری، حسن و محمدزاده، علی (۱۳۹۶). «طراحی مدل دولت کارآفرین برای سازمان‌های اداری ایران». فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱(۵)، ۱۰۶-۸۹.
- یدالهی فارسی، جهانگیر؛ علی کنعانیان، مهرزاد حمیدی و ناصر غلامی (۱۳۸۹). «مطالعه موانع کارآفرینی در ورزش کشور». توسعه کارآفرینی، ۱(۳)، ۱۲۴-۱۰۵.
- Alika, I. J. & Aibieyi, S. (2014). "Human capital: Definitions, approaches and management dynamics". *Journal of Business Administration and Education*, 5(1), 55.
- Chowdhury, A. & Shil, N. C. (2017). "Public Sector Reforms and New Public Management: Exploratory Evidence from Australian Public Sector". *Asian Development Policy Review*, 5(1), 1-16.
- Berke, P. & Godschalk, D. (2009). "Searching for the Good Plan, A Meta-Analysis of Plan Quality Studies". *Journal of Planning Literature*, 23(3), 227-240.
- Bllone.C. & Goerle, G. (1992). "Reconciling public entrepreneurship and democracy". *Public Administration Review*, 52(2), 130-4.
- Borre, Ole (2000). "Critical issues and political alienation in Denmark". *Scandinavian Political Studies*, 23, 258-309.
- Bouckaert, G. & Van de Walle, S. (2003). "Quality of public service delivery and trust in government". *Governing networks: EGPA yearbook*, 299-318.
- Box, R. C. (1999). "Running government like a business: Implications for public administration theory and practice". *The American Review of Public Administration*, 29(1), 19-43
- Bosma, N. & Levie, J. (2010). *Global Entrepreneurship Monitor 2009 Executive Report*. Global Entrepreneurship Research Association (GERA).
- Cornwall, J. R. & Perlman, B. (1990). Corporate factor affecting motivation market organizational facilitation and support. Homewood, TL: 17 Boston -Trvin.
- Clarke, J. & J. Newman. (2007) "what's in a Name? Labour's Citizen-Consumer and the Remaking of Public Services." *Cultural Studies*, 21(4), 738-757.
- Cullen, R. & Cushman, D. (2000) *Transitions to competitive government: speed, consensus, and performance*. New York: State Univrrsity of New York.
- Daneshfard, K. & Aboalmaali, F. S. (2016). "Max Weber's Philosophy of Bureaucracy and Its Criticism". *International Journal of Scientific Management and Development*, 4(6), 214-220.
- Denhardt, R. B. & Denhardt, J. V. (2000). "The new public service: Serving rather than steering". *Public administration review*, 60(6), 549-559.
- Ebner, A. (2006). "Institutions, entrepreneurship, and rational of government: An outline of the Schumpeterian theory of the state". *Journal of Economic Beh-avior & Research*, 59, 497-515.

- Esteban-Laleona, S., Frutos-Madrado, P. D. & Miguel-Bilbao, D. M. (2011). "A review of the empirical literature about the relationship between fiscal decentralization and economic growth". *Economía, Sociedad y Territorio*, XI (36), 349-381.
- Evans, P. & Heller, P. (2012). *Human Development, State Transformation and the Politics of the Developmental State*. The Oxford Handbook of Transformations of the State. Oxford University Press.
- Ferdous, J. (2016). Organization theories: from classical perspective. *International Journal of Business, Economics and Law*, 9(2), 1-6.
- Ferlie, E., Hartle, J. & Martin, S. (2003). "Changing public service organizations: current perspectives future prospects". *British Journal of Management*, 14(1), 1-14
- Glaser, M. A. & Hildreth, W. B. (1999). "Service delivery satisfaction and willingness to pay taxes: Citizen Recognition of local government performance". *Public Productivity & Management Review*, 48-67.
- Gore, A. (1993). *From red tape to results: creating a government that works better and costless*. Washington: Government Printing Office.
- Gordijn, J. & Akkermans, H. (2007). "Business models for distributed generation in a liberalized market environment". *Electric Power Systems Research*, 77, 1178 -1188.
- Gordon, Y.J., Young, A. & BAL, J. (2003). "External environmental forces affecting e-learning providers". *Marketing Intelligence & Planning*, 21(3), 168-172.
- Guy, M. E. (1997). "REGO, organizational architecture, and reality". *International Journal of Public Administration*, 20(1), 113-138.
- Isenberg, D. J. (2010). "How to start an entrepreneurial revolution". *Harvard business review*, 88(6), 40-50.
- Isenberg, D. (2011, January). "How to foment an entrepreneurial revolution, The Babson Entrepreneurship Ecosystem Project". In *10th international Entrepreneurship Forum* (pp. 3-5).
- Isenberg, D. (2012). *Introducing the Babson entrepreneurship ecosystem project*. The Babson Global. 1-28p.
- Irvin, R. A. & Stansbury, J. (2004). "Citizen Participation in decision-making: Is it worth the effort?" *Public Administration Review*, 64, 55-65
- International Finance Corporation (2009). *Business Environment Snapshot: -Methodology Note*. Washington, DC, 13-15
- Kaboolian, L. (1998). "The new public management: Challenging the boundaries of the management vs. administration debate". *Public Administration Review*, 58(3), 189-193.
- Lai, Y. & Cheng, T. (2011). "Intergovernmental Allocation of Public Resources, Fiscal Decentralization and Economic Growth". *Information engineering and Electronic Business*, 3, 8-15.
- Luke, B. (2006). "Exploring strategic entrepreneurship in the public sector". *Qualitative Research in Accounting & Management*, 3(1), 4-26.
- Madureira, A. M. (2013). *Physical Planning in Entrepreneurial Urban Governance Experiences from the Bo01 and Brunshög Projects*. Sweden: European Planning Studies.
- Mazzarol, T. (2014). 6 ways governments can encourage entrepreneurship, available through: <https://www.weforum.org/agenda/2014/12/6-ways-governments-can-encourage-entrepreneurship>.
- Mili, B. R. & Nasrullah, A. M. (2014). *Fundamentals of Public Administration*. Dhaka: Bangladesh Institute of Islamic Thought.
- Nasrollahi, S. N., Mokhtari, H. & Sidin, M. (2012). "Metaanalysis: An Approach to the Integration and Evaluation of Information Science and Knowledge Research". *Journal of Information Processing and Management*, 29(2), 316-293.
- ODCED (2008). Supporting Business Environment Reforms: Practical Guidance for Development Agencies", www.Enterprise-Development.org/ www.Business-Environment.org.
- Orford, J., Herrington, M. & Wood, E. (2005). "Global Entrepreneurship Monitor 2004 South African Report". *UCT Center for Innovation and Entrepreneurship*, 50-54.

- Osborne, D. & Gaebler, T. (1992) *Reinventing government: how the entrepreneurship spirit is transforming the public sector*, reading: Addison-weslei.
- OECD (2007a). Framework for the Evaluation of SME and Entrepreneurship Policies and Programmes. Paris OECD (2007b), OECD Entrepreneurship Indicators Project: Overview, World Bank Seminar on Entrepreneurship and Development, Washington.
- Pittaway, I. (2005). "Philosophies in entrepreneurship: a focus on economic theories". *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 11(3), 201-21.
- Raynolds, P., Bygrave, W., Autio, E., Arenius, P., Fitsimons, P., Minniti, M., Murray, S., O'Goran, P. & Roche, F. (2004). Global Report, Global Entrepreneurship. Monitor.
- Sabharwal, M. (2013). Education, employability, employment, and entrepreneurship: Meeting the challenge of the 4Es. *In Skills Development for Inclusive and Sustainable Growth in Developing Asia-Pacific* (pp. 67-87). Springer, Dordrecht.
- Sama, H. K., Ndunguru, P. C. & Baisi, M. D. (2014). "Entrepreneurial Government: Causal Relationship between Transaction Costs and Value for Money". *International Journal of Managerial Studies and Research*, 2(9), 63-74.
- Shojaei, S., Shirvani, A. & Etebarian, A. (2016). "Examining Reinventing Government from Opponents' Point of View". *International Business Management*, 10(5), 633-637.
- Spencer, J. W., Murtha, T.P. & Lenway, S.A. (2002). "How governments matter to new industry creation". *Academy of International Business*, 23(1), 34-52.
- Van de Walle, S. & Hammerschmid, G. (2011). "The Impact of the New Public Management: Challenges for Coordination and Cohesion in European Public Sectors". *Haldukkultuur*, 12(2), 190-209.
- Uchimura, h. & Suzuki, y. (2009). *Measuring fiscal decentralization in the Philippines*. Institute of developing economies, discussion paper no.209.
- UNCTAD. (2005). "Entrepreneurship and Economic Development". United Nations Conference on Trade And Development (UNCTAD), 6-14.
- Uzuegbu, C. P. & Nnadozie, C. O. (2015). "Henry Fayol's 14 Principles of Management: Implications for Libraries and Information Centres". *Journal of Information Science Theory and Practice*, 3(2), 58-72.
- Wang, X. (2010). *The Effects of Fiscal Reforms on Economic Growth in Chinese Provinces: 1985-2007*. University of Nevada: A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Economics Thesis Advisor: Dr. Mehmet Tosu.
- Weerawardena, J., & Mort, G.S. (2006). "Investigating social entrepreneurship: a multidimensional model". *Journal of World Business*, 14(1), 21-35.
- Whitelock, J. & Jobber, D. (2014). "An evaluation of external factors in the decision of UK industrial firms to enter a new non-domestic market: an exploring study". *European Journal of Marketing*, 38(11/12), 1437-1455.
- Williams, D.W. (2000). "Reinventing the proverbs of government". *Public Administration Rev.* 60, 522-534
- World Bank (2015). Doing Business. www.worldbank.org.
- Xue, D. & Wub, F. (2015). Failing entrepreneurial governance: From economic crisis to fiscal crisis in the city of Dongguan, China. *Cities*, 10-17.
- Zampetakis, L. A. & Moustakis, V. (2007). "Entrepreneurial behavior in the Greek public sector". *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 13(1), 19.
- Zahra, S. A. & Hansen, C. (2015). "Privatization, Entrepreneurship and global competitiveness in the 21 st century". *Competitiveness review*, 10(1), 83-104.